

آن جا که بتوانم انجام می‌دهم. من هیچ آشنایی از قبل با ایشان نداشتم. با آقای مجیدی هم در مسئله فیلمنامه و هم گریم و هم لوکیشن و تدوین که سنگ تمام گذاشت در ارتباط بودم. ۱۵۶ دقیقه را ایشان به ۹۴ دقیقه رساند. من کار را با همراهی این سه عزیز پیش بردم. به همین دلیل است که امکان ندارد که لحظه‌ای از شور عاشقی باشد که خیاط جدی تاریخی وجود داشته باشد.

برویم سراغ موسیقی که از نقاط قوت فیلم بود.

یاری: موسیقی روح کار بود که مسعود سخاوت دوست در این فیلم دمید.

چطور از میان آهنگسازان گوناگون که اتفاقاً کارهای قابل قبولی در حوزه موسیقی عاشقانه داشتند، به سخاوت دوست رسیدید؟

یاری: هر که به این کار آمد انتخاب شده است. خود من داشتم فیلم دیگری می‌ساختم و ناگهان سر از این فیلم در آوردم. آهنگساز هم انتخاب شد تا به این کار حسینی برسد. من خوشحالم که چنین فردی در کنار کار بودم و برای همین کار هم نامزد جایزه سیمیرغ جشنواره فجر شد. من به سخاوت دوست فکر نکرده بودم که بیایم. او انتخاب شد و من فقط شهادت می‌دهم که خیلی زحمت کشید. من کربلا جغرافیای یک تاریخ را با انتظامی کار کرده بودم و با پژمان هم کاری ساخته بودیم. به همه این‌ها هم فکر کرده بودم اما قسمت بود که آهنگسازی کار با مسعود باشد. اما یاد هست که مجیدی پیام داد که به آهنگسازت بگو که اگر موسیقی آن موسیقی مطلوبت نشد ممکن است بدهیم آهنگساز خارجی. اما نسخه پایانی کار را که با مجیدی دیدیم فقط نگاهی به من کرد و گفت: چه موسیقی خوبی شده، در آمده است.

آقای سخاوت دوست شما درباره اضافه شدن به پروژه و انتخاب موسیقی بگویند.

سخاوت دوست: به طور کل من حساسیتی به فیلم‌هایی با موضوع مذهبی دارم. این نوع موسیقی برای من اولویت دارد. من برای جشنواره امسال ۹ فیلم داشتم و چهار فیلم هم به صورت پنجاه پنجاه بود. تصمیم داشتم اصلاً کار نگیرم. من با آقای یاری اصلاً کار نکرده بودم. وقتی موضوع فیلم را دوست مشترکی به صورت یک خطی تعریف کرد، گفتم من می‌آیم و فیلم را می‌بینیم. نسخه بلند کار را هم دیدم و همان جا تحت تاثیر قرار گرفتم و حال خوبی که با دیدن فیلم روز واقعه به من دست می‌داد این فیلم هم برای من اثر گذار بود. روز واقعه یک خصوصیتی دارد؛ اول از همه کلکسیونی از غول‌های سینماست؛ هم آقای بیضایی به لحاظ اسطوره شناسی و قلم و هم موسیقی انتظامی

و هم بازیگران و... همیشه می‌گفتم کاش من هم در اثری مشابه کار می‌کردم. اگر چه دو کار اصلاً قابل مقایسه نیست اما به لحاظ فرم و جهت بسیار آن حال را برای من تداعی کرد. ضمن اینکه آقای یاری و فیلم او از هم جدایی ناپذیرند. من کمتر کارگردانی را دیدم که با فیلمش آمیخته باشند. جهان بینی، زیست، حرف زدن و نوشتنش، هدایت بازیگر و آهنگسازش یکی است. با همان دید و عقیده کار را پیش می‌برد.

چقدر با کارگردان فیلم برای رسیدن به موسیقی پایانی تعامل داشتید؟

سخاوت دوست: این را باید تاکید کنم که در موضوع موسیقی فیلم اولین نکته این بود که فیلم شاعرانگی بالایی داشت ما با یک تاریخ صرف روبه‌رو نبودیم بلکه با متن ادبی مواجه‌ایم. همین الان می‌توانم چندین دیالوگ و متن ماندگار از روز واقعه را برای شما بگویم. درباره شور عاشقی هم همین نکته صادق است؛ چند صحنه و چند دیالوگ تاثیر گذار که میتنی بر گفتمان فلسفی و تاریخی است مرا به خودش جذب کرد. پس اگر بنا بود ما با تمام قوا برای یک فیلم انرژی بگذاریم این اثر ماندگار، یک انرژی و توان مضاعف می‌خواست. درباره فرم کار هم که چقدر موسیقی عربی باشد، چقدر ایرانی یا چقدر وفادار باشد به جغرافیا و متن، آقای یاری دست من را باز گذاشت. گفت برای من مهم تاثیر گذاری است. بعداً که جلوتر رفته منظور ایشان را از تاثیر گذاری فهمیدم. منظورش این نبود که که پلان من را در بیاور چون پلان او در آمده است. منظورش این بود که تو هم یکی از عوامل فیلم باش، یکی از دخترانی که سر پدرش را می‌برند تو هم بیا در تیم ما و در کنار ما و بازیگران باش. موسیقی پر حجم



ما می‌دیدیم که خانم موسوی دائم زیر لب چیزی می‌گوید. فکر می‌کردیم به خاطر سختی کار دارد فحش می‌دهد. طبعش و خور و بیایانک و دمای بالای پنجاه درجه همه را کلافه کرده بود. دوست داشتیم بدانیم چه می‌گوید که بعداً فهمیدیم ذکر می‌گوید

شده بود و بعدها برای همراهی بیشتر خلوت و متناسب و همراه کردیم. آقای یاری برعکس فروتنی‌اش نسبت به موسیقی بسیار دقیق و موسیقی شناس است. این کار مرا بسیار راحت‌تر می‌کرد.

چه چیزی در متن بیش از همه شما را راغب کرد که موسیقی این کار را علی‌رغم سرشلوغی تان بسازید؟

سخاوت دوست: اگر مسائل فنی را کنار بگذارم علت اصلی که ایمن کار برای من کاری بسیار متفاوت است جسارت آقای یاری در روایت است. اگر او نویسنده کار نبود من الان فقط درباره موسیقی حرف می‌زد. پس من می‌توانم درباره کانتکست راحت‌تر حرف بزنم. مثال من در باره عاشورا همیشه این است که باورهای مذهبی هیچ ارتباطی به حکومت‌ها و دولت‌ها ندارد و جریان معنوی است که همیشه اتفاق می‌افتد. اما در برهه‌هایی از زمان این جریانات توسط حکومت‌ها یا تضعیف می‌شوند یا منحرف می‌شوند یکی از بدترین اتفاقات در روزگار ما دشمنی با اهل بیت نیست بلکه انحراف و بدعت است که بسیار خطرناک است. یک وقت چیزی را که روی تابلو نوشته شده، پاک می‌کنند اما اصل نوشته آن زیر هست و با خوانش دوباره متن و تحقیق به اصل آن پی می‌بریم اما گاهی آن اصل هم از بین می‌رود و چند خط روی آن می‌کشند و همه چیز را منحرف می‌کنند. این داستان روزگار ماست. من مستند بودن متن برایم بسیار حائز اهمیت بود. این روایت را جسورانه و علمی پیدا کردم. دغدغه مند هم هستیم. آقای یاری هم به من فرصت داد تا در این متن دخیل باشم. اولین نکته فیلم آقای یاری این بود که دست روی فلسفه گذاشت نه خود حادثه. این بسیار ارزشمند بود. این موضوع باعث شد که من از اساس با روایت ارتباط برقرار کنم و حاضر بودم ۱۵۰ بار موسیقی را عوض کنم تا رضایت کارگردان جلب شود.

و اینکه چطور به موسیقی رسیدید؛ که هم متفاوت باشد و هم به این متن بخورد؟

سخاوت دوست: ما هم به لحاظ محتوایی و هم ساختاری نیاز به گفتگو با آقای یاری داشتیم. نیاز به موسیقی به عنوان الگوی همراهی کننده داشتیم و تاثیر گذار، اما به لحاظ ساختاری ما مثلاً یک جایی حجم عظیمی از اندوه را داریم که ارکستر باید خودش را شکوفا کند اما آقای یاری این را به تاخیر می‌انداخت و می‌گفت این حزن با یک بی‌سودی خودش را نشان دهد و بعد یکبار می‌دیدیم دیگر نمی‌توانیم، آن وقت موسیقی با یک کنتراست بسیار بالایی ورود می‌کرد. به لحاظ ساختاری ما هم «نی» می‌خواستیم و هم «ارکستر سمفونیک» و این خواسته آقای یاری هم بسیار سخت است و هم باید با احتیاط جلو می‌رفتیم، چون تبدیل

